



## **Academic Freedom: A Qualitative Analysis of Representing the Experiences of Science Stakeholders in Iran**

**Manijeh Mohammadzadeh <sup>\*1</sup>, Naser Shirbagi<sup>2</sup>,  
Keivan Bolandhematan**

1- PhD Student in Educational Management,  
Department of Education Sciences, Faculty of  
Humanities and Social Sciences, University of  
Kurdistan, Sanandaj, Iran.

2- Professor of Educational Management, Department  
of Education Sciences, Faculty of Humanities and  
Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj,  
Iran.

3- Associated Professor of Educational Management,  
Department of Education Sciences, Faculty of  
Humanities and Social Sciences, University of  
Kurdistan, Sanandaj, Iran

### **Abstract**

The aim of this study was to identify the ideas and perceptions of an academic society (professors and students) of Iran from the concept of academic freedom. This is a qualitative study with phenomenographical strategy. Participants in the study were 41 people (22 faculty members and 19 graduate students) from three universities of Tehran, Allameh Tabatabai and Kurdistan. Purposeful sampling was performed with maximum variety. A semi-structured interview protocol was used to collect information, and the interviews continued until theoretical saturation was reached. Information was analyzed using theoretical coding that 5 descriptive notions: fundamental initiative, lack of hegemony of opinion and indoctrination, governance of academic voice, inter-arranged university and empowering professional space as the understanding of the Iranian academic community of academic freedom to was obtained. The identified descriptive notions have the most conceptual /

historical and metaphorical conformity with the grid model of academic freedom. Understanding of academic freedom among professors is more concerned with the grid model and among students is more concerned with liberal and civic models. Professors' understanding is more limited to the professional, and grid conceptualization of academic freedom. Students have more critical and liberal views on academic freedom due to their lack of organizational affiliation with the bureaucratic institution and lack of venture capital.

**Keywords:** Academic Freedom, University Autonomy, Freedom of Thought.

---

\* Corresponding author: nshirbagi@uok.ac.ir



## آزادی آکادمیک: تحلیلی کیفی بر بازنمایی تجارب ذی‌نفعان نهاد علم در ایران

منیژه محمدزاده<sup>۱</sup>، ناصر شیربگی<sup>۲\*</sup>، کیوان بلندهمتان<sup>۳</sup>

۱- دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج.

۲- استاد مدیریت آموزشی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج.

۳- دانشیار مدیریت آموزشی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج.

### چکیده

این مقاله به دنبال شناخت درک تفسیری جامعه علمی (استادان و دانشجویان) ایران از آزادی آکادمیک بوده و با استفاده از رویکرد کیفی از نوع پدیدارشناسی تفسیری انجام شده است. مشارکت‌کنندگان در پژوهش شامل ۴۱ نفر از ذی‌نفعان جامعه دانشگاهی (۲۲ عضو هیأت علمی و ۱۹ دانشجوی تحصیلات تکمیلی) از سه دانشگاه تهران، علامه طباطبائی و کردستان بودند. نمونه‌گیری از نوع هدفمند و با بیشینه تنوع انجام شد. برای جمع‌آوری داده‌ها از پروتکل مصاحبه نیمه‌ساختارمند استفاده شد و مصاحبه‌ها تا زمان رسیدن به اشباع نظری (از نوع اشباع مقوله‌ای) ادامه یافت. از رویه تحلیلی دی‌کلمن و همکاران برای تحلیل اطلاعات مصاحبه‌ها استفاده شد. برای اعتباربخشی یافته‌ها از ملاک‌های چهارگانه گویا و لینکلن استفاده شد. داده‌ها با استفاده از کدگذاری نظری تحلیل شدند که ۵ مضمون فراگیر: آزادی در آموزش و پژوهش، فقدان هژمونی عقیده، آزادی بیان آکادمیک، استقلال دانشگاه و آزادی برای توانمندی و شکوفایی آکادمیک به عنوان درک جامعه دانشگاهی ایران از آزادی آکادمیک به دست آمد. مضامین فراگیر استخراج شده، بیشترین انطباق مفهومی/تاریخی و استعاری را با الگوی صنفی از آزادی آکادمیک داشتند. درک از آزادی آکادمیک در بین استادان بیشتر ناظر بر الگوی صنفی و در بین دانشجویان بیشتر ناظر بر الگوهای لیبرال و مدنی بود. درک استادان، بیشتر بر مفهوم‌سازی صنفی، شغلی و حرفه‌ای از آزادی آکادمیک محدود بوده است. دانشجویان در مقایسه با استادان به دلیل عدم وابستگی سازمانی به نهاد بروکراتیک و فقدان سرمایه‌های در معرض خطر، دیدگاه‌های انتقادی و لیبرال‌تری نسبت به آزادی آکادمیک داشتند.

کلیدواژه‌ها: آزادی آکادمیک، استقلال دانشگاهی، استقلال، آزادی اندیشه، پدیدارشناسی تفسیری.

برای استنادات بعدی به این مقاله، قالب زیر به نویسندگان محترم مقالات پیشنهاد می‌شود:

Mohammadzadeh, M., Shirbagi, N., & Bolandhematan, K. (2021). **Academic Freedom: A Qualitative Analysis of Representing the Experiences of Science Stakeholders in Iran.** *Journal of Science & Technology Policy*, 14(2), 35-50. {In Persian}.

DOI: 10.22034/jstp.2021.14.2.1326

### ۱- مقدمه

فعالیت‌های علمی خود را به صورتی کاملاً مستقل و فارغ از هرگونه فشار درون‌دانشگاهی یا برون‌دانشگاهی به انجام رسانند؛ به واقع بیان نتایج تحقیقات علمی فارغ از خوشایندی یا ناخوشایندی بودن آن برای تصمیم‌گیران دانشگاهی و یا دولتی و حکومتی [۱]. اهمیت آزادی آکادمیک به عنوان یک ارزش بنیادی برای دانشگاه در حدی است که آلتباخ<sup>۳</sup> آن را جزئی از مشخصه‌های دانشگاه در سطح جهانی مطرح کرده است.

آزادی علمی<sup>۲</sup> به عنوان یکی از اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین مفاهیم و پایه‌ها در حیطه دانشگاه‌ها و مراکز تحصیلی تکمیلی، در بنیادین‌ترین تعریف خود به عنوان حقی شناخته می‌شود که بر مبنای آن اساتید و دانشجویان کنش‌ها و

DOI: 10.22034/ jstp.2021.14.2.1326

\* نویسنده عهده‌دار مکاتبات: nshirbagi@uok.ac.ir

<sup>2</sup> Academic Freedom

<sup>3</sup> Altbach

که در آن فعالیت می‌کنند، حفظ کنند. آن‌ها اگرچه همیشه هم موفق نبوده‌اند، اما آرمان استقلال‌خواهی آن‌ها هرگز رنگ نباشته است [۵]. از زمان مدارس فلسفه یونان باستان، دانشگاه و نهادهای مشابه، پشتیبان و حامی توسعه علم و فناوری بوده‌اند. آن‌ها ابتدا بر نظریه‌پردازی و انتشار دانش موجود متمرکز بوده‌اند و به تدریج از قرن نوزدهم میلادی اکتشافات علمی و توسعه فناوری را نیز بر عهده گرفتند [۶].

از دید فراستخواه مشکل عمده‌ای که آزادی علمی (آکادمیک) از ابتدا در ایران داشت، اقتدارگرایی سیاسی ریشه‌داری بود که خود از سرگذشت تاریخی و فرهنگی و ساختارهای اقتصادی و اجتماعی این سرزمین نشأت می‌گرفت. این اقتدارگرایی گاه به شدیدترین صور خودکامگی و تصلب حکومتی ظاهر می‌شد و راه را روی نهادینه شدن آزادی آکادمیک در کشور می‌بست [۷]. چرا که آزادی‌ها در سایه استقلال به دست می‌آید و بحث از استقلال و آزادی علمی در دانشگاه‌ها به معنای ازبین‌رفتن نقش دولت و دیگر نهادها در دانشگاه نیست، بلکه اعتمادی به دانشگاهیان و دانشگاه در واگذاری اختیارات و آزادی برای ایجاد فرصتی برای رشد و بالندگی دانشگاه است. تحقیقات نشان داده است که افزایش استقلال و آزادی آکادمیک، زمینه را برای رشد خلاقیت و نوآوری فراهم می‌نماید. همان‌طور که استرمن و استینل<sup>۵</sup> بیان می‌کنند؛ شکافی تکراری بین استقلال رسمی و آنچه بر روی کاغذ مطرح می‌شود، وجود دارد. افزایش قابل توجه ضرورت پاسخگویی از طرف دانشگاه‌ها، بارها استقلال آن‌ها را محدود نموده و بیشتر دولت‌ها برای اعمال فشار به دانشگاه‌ها از این ابزار استفاده می‌نمایند [۸]. آلتباخ نیز شرایط تاریخی هر کشور را در وضعیت آزادی آکادمیک در آن مؤثر دانسته است. او کشورهایمانند کوبا، ویتنام، کره شمالی، ایران و شمار قابل توجهی از کشورهای دیگر را مثال آورده است که آزادی آکادمیک در آن‌ها وضعیت مطلوبی ندارد. [۹] او معتقد است در کشورهای آسیایی و آفریقایی که سابقه استعماری دارد، آزادی آکادمیک به ندرت ریشه دوانده و از آن محافظت شده است. آلتباخ خاطر نشان ساخته است که چگونه اعضای هیات علمی در دانشگاه‌های چین خودسانسوری می‌کنند. تذکر و اخطار، ازدست‌دادن شغل و حتی مجازات زندان از

پژوهش متعادل، آزادی آکادمیک، مدیریت انعطاف‌پذیر، امکانات کافی و منابع مالی کافی، مؤلفه‌هایی هستند که او برای دانشگاه کلاس جهانی برشمرده است [۲].

باین‌وجود ابهامات بسیاری در زمینه تعریف دقیق این پدیده وجود دارد که دلیل عمده آن برآمدن مفهوم آزادی علمی از دو دنیای مختلف یعنی دنیای آموزش و دنیای قوانین حقوقی است [۳]. از سویی مفهوم آزادی علمی نه تنها به حقوق و قوانین آزادی عمل و بیان اساتید اشاره دارد بلکه متمرکز بر حقوق و قوانین آزادی عمل و بیان دانشجویان نیز می‌باشد. به‌علاوه، از منظر قوانین حقوقی، این مفهوم (آزادی علمی) به میزان زیادی برای اشاره به حقوق و قوانین مربوط به وجود آزادی در عمل و بیان مؤسسات علمی و دانشگاه‌ها نیز به کار گرفته می‌شود (آزادی علمی سازمانی<sup>۱</sup> و یا استقلال سازمانی<sup>۲</sup>). در این زمینه ارتباطی تنگاتنگ میان آزادی علمی در دانشگاه‌ها و سطح استقلال آن‌ها از دولت‌ها و دیگر بخش‌های حاکمیتی وجود داشته و بررسی مفهوم آزادی علمی را فارغ از بررسی مفهوم استقلال دانشگاهی غیرممکن می‌سازد. استقلال دانشگاهی مرز بسیار باریکی با آزادی آکادمیک دارد. از منظر اشبی<sup>۳</sup> و تایت<sup>۴</sup> استقلال دانشگاهی از دو مؤلفه آزادی آکادمیک و استقلال نهادی تشکیل می‌شود. آزادی آکادمیک به توانایی فردی محقق در پیگیری امر تعلیم و تحقیق بدون ترس از تنبیه و یا ازدست‌دادن شغل اشاره دلالت دارد و استقلال نهادی به وضعیت خودگردانی گروه‌های محقق در داخل دانشگاه مربوط می‌شود. می‌توان به طور کلی اینگونه استنباط کرد که مفهوم استقلال به وضعیت مناسبات نهاد دانشگاه با محیط بیرونی (ساختار کلان جامعه و زیرسیستم‌های آن) و مفهوم آزادی آکادمیک بر توانایی ذی‌نفعان دانشگاهی در ابعاد مختلف آموزشی، پژوهشی، اندیشه و ابراز آکادمیک و... دلالت دارد [۴]. با توجه به تمرکز این مطالعه بر ذی‌نفعان دانشگاهی (استادان و دانشجویان) و برای پیشگیری از هرگونه اختلاط مفهومی، در این مقاله مفهوم آزادی آکادمیک برجسته شده است.

دانشگاه‌ها در طول دهه‌های گذشته همواره ناگزیر بوده‌اند که موازنه ظریفی را بین حق استقلال خود و اختیارات جوامعی

<sup>1</sup> Institutional academic freedom

<sup>2</sup> Institutional autonomy

<sup>3</sup> Ashby

<sup>4</sup> Tight

نمی‌رود؛ بلکه شامل دانشجویان نیز می‌شود. آزادی آکادمیک به معنای آزادی دانشجویان برای مطالعه موضوعات و ادامه دوره‌های مطالعه که متناسب با علائق فکری و کاری آنها در دانشگاه‌هایی است که خودشان تصمیم گرفته‌اند، به آن وارد شوند و آزادی آن‌ها برای تشکیل انجمن مطابق با علاقه‌مندی‌های فکری و سیاسی آن‌ها است، نیز می‌شود.

ابعاد مختلف و متنوعی برای آزادی آکادمیک توسط صاحب‌نظران ارائه شده است. بیانیه انجمن اساتید دانشگاهی آمریکا<sup>۲</sup> آن را شامل سه جنبه آزادی تحقیق و پژوهش، آزادی تدریس؛ و آزادی گفتار و عمل فرادانشگاهی دانسته است. وریلینک و همکاران<sup>۳</sup> آزادی آکادمیک را دارای سه بعد دانسته‌اند: ۱) داشتن حقوق فردی گسترده در آزادی بیان، آزادی در مطالعه، آموزش، تحقیق و اطلاعات. ۲) داشتن استقلال سازمانی و ۳) داشتن تعهد به مقامات حکومتی برای حمایت از آزادی آکادمیک و ترویج آن. با اینکه این سه بعد از آزادی آکادمیک را منحصر به فرد می‌دانند اما معتقدند که این سه بعد، یکدیگر را تقویت می‌کنند [۱۳]. ال‌شوباکي و ابوناصر<sup>۴</sup> آن را شامل آزادی در آموزش، پژوهش، بیان عقیده، تصمیم‌سازی، انتفاع اجتماع از نتایج تحقیقات؛ و خدمات اجتماعی می‌دانند [۱۴]. همچنین موشمن آزادی آکادمیک را شامل ابعاد آزادی در حیطه تدریس، یادگیری و تحقیق، آزادی فکری، نقش‌های دانشگاهی، فردی، جمعی و نهادی و مرکزی برای یکپارچگی دانسته است [۱۵].

استلی فیش<sup>۵</sup> پنج مکتب فکری را که توسط محققان آزادی علمی شناخته شده، تشریح کرده است. این مکاتب فکری در میان دو رویکرد متباین در قبال آزادی علمی قرار می‌گیرند. در یکی آزادی مخصوص حرفه دانشگاهی و محدود به اجرای وظایف اصلی و در دیگری آزادی یک ارزش کلی، مستولی و مدام در حال گسترش است، و دانشگاه تنها یکی از محیط‌هایی است که آزادی در آن اعمال می‌شود [۱۶]. جدول ۱ این مکاتب فکری را نشان داده است. هر یک از این مکاتب ماهیت و هدف‌های آزادی علمی را به طرز متفاوتی تعریف می‌کنند.

پیامدهای بالقوه ارائه ایده‌ها در تدریس یا سخنرانی یا پژوهش‌های مخالف با رویکرد حکومت است [۱۰].

با توجه به ماهیت فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی در نظام آموزش عالی، ضرورت دارد که بستری بدون محدودیت‌های سیاسی، اقتدارگرایی، عدم مداخله مراجع بیرونی و غرض‌ورزی‌های درونی برای خلق ایده‌های نوین فراهم آورد. توجه به آزادی آکادمیک زمینه‌ساز مسئولیت‌پذیری دانشگاه‌ها در قبال اعطای اختیارات خواهد بود. هدف اصلی این مطالعه شناخت درک ذی‌نفعان دانشگاهی (استادان و دانشجویان) از آزادی آکادمیک و به تبع آن ارائه توصیه‌های سیاستی برای تقویت دامنه این مفهوم در نهاد دانشگاه است.

## ۲- مبانی نظری و تجربی پژوهش

### ۲-۱ مفهوم آزادی آکادمیک

به تعبیر آلتباخ آزادی آکادمیک مفهومی ساده به نظر می‌رسد و در جوهره‌اش هم چنین است، اما تعریف آن دشوار است. از زمان قرون وسطی، این مفهوم به معنی آزادی استادان در تدریس بدون کنترل و مداخله خارجی در حرفه‌شان و همچنین آزادی دانشجویان برای یادگیری به‌کار رفته است. او این مفهوم را به معنای اولویت در تحقیق و انتشار در یک حوزه خاص از پژوهش و آموزش بدون هیچ محدودیتی در یکی از حوزه‌های کارشناسی و یا حق دانشگاهیان برای بیان دیدگاهشان در هر نشست عمومی یا نوشتن در مورد هر موضوعی می‌داند. مفهوم نوین آزادی آکادمیک در کشور آلمان در قرن نوزدهم شکل گرفت و با گذشت زمان توسعه یافت [۱۱]. آزادی آکادمیک عبارت است از آزادی اعضای هیات علمی به منظور انجام اقدامات آکادمیک. براون<sup>۱</sup> آزادی آکادمیک را با عبارت «حق اعضای هیات علمی دانشگاه و پژوهشگران برای مشاهده و تحقیق مناسب در زمینه‌های دانش و بیان دیدگاه‌هایشان بدون ترس از محدودیت و سرزنش» تعریف می‌کند. در این رابطه، آزادی آکادمیک تنها آزادی هیات علمی برای انجام فعالیت‌های دانشگاهی نیست، بلکه شامل بیان دیدگاه‌هایشان نیز هست [۱۲].

اما، آزادی آکادمیک تنها برای اعضای هیات علمی که می‌خواهند تدریس کنند و پژوهش انجام دهند؛ به کار

<sup>2</sup> American Association of University Professors

<sup>3</sup> Vrieling et al

<sup>4</sup> Al Shobaki & Abu Naser

<sup>5</sup> Fish

<sup>1</sup> Brown

جدول ۱) پنج مکتب فکری در باب آزادی علمی [۱۶]

به‌عنوان یک شغل	برای خیر مشترک	استثنای بودن علمی	به‌مثابه نقد	به‌عنوان انقلاب
دانشگاه	←	تأکید	→	آزادی
محدود	←	هدف	→	گسترده
حرفه‌ای	←	نقش استادان	→	سیاسی
راست	←	سیاست دانشگاه	→	چپ

در مکتب صرفاً یک شغل، آزادی علمی تنها از پیشرفت دانش پشتیبانی می‌نماید که استادان دانشگاه برای آن آموزش دیده و حقوق می‌گیرند، در آن صلاحیت حرفه‌ای دارند و طی یک قرارداد مسئولیت آن را برعهده گرفته‌اند. طبق رویکرد مکتب خیر مشترک، وظیفه ویژه استادان دانشگاه پرورش عادت‌های روشنفکری و جستار انتقادی است که شهروندانی مسئولیت‌پذیر را به بار آورده و در ادامه تفکر عامه مؤثر و روشنگر را در جامعه ایجاد می‌کند.

مکتب استثنایی بودن علمی چنین استدلال می‌کند که از آنجاکه آن‌ها وظیفه غیرمعمول گسترش دانش در بین عموم مردم را دارند، خود آن‌ها نیز از نظر عقلانی و اخلاقی استثنایی هستند و نباید با قوانین مربوط به مردم عادی محدود شوند. مکتب چهارم، آزادی علمی به‌عنوان نقد است که در آن مسئولیت استادان دانشگاه ابراز مخالفت و نقد همه‌چیز است. در مکتب آزادی علمی به‌عنوان انقلاب، آزادی علمی افراطی، فردی و نامحدود است و استادان دانشگاه به‌عنوان ساختارشکن عمل می‌کنند. تدریس شامل مبارزه برای یک دموکراسی فراگیر و رادیکال با شناخت آموزش در معنای گسترده آن به معنی فهم و همچنین فراهم کردن شرایط برای بر عهده گرفتن وظائف شهروندی برای ریشه‌کن کردن فلاکت انسان و از بین بردن شرایط ایجادکننده آن است [۱۷]

۲-۲ شبکه مفهومی آزادی آکادمیک: ساخت‌های چهارگانه  
از نظر تاریخی و در ارتباط با مفهوم آزادی آکادمیک، دانشگاه (آکادمی) به رغم برداشت‌هایی که از آن مطرح می‌شود، صرفاً محصول غرب نیست و در سایر تمدن‌ها هم وجود داشته است. شواهد دوره هخامنشیان تا دوران ساسانی، تأسیس جندی شاپور، آلبویه و تأسیس کتابخانه‌های بزرگ، دارالعلم‌ها و بیمارستان‌ها تا اوایل قرن نوزدهم همه نشان از ظهور آکادمی در ایران بوده‌اند. از اواسط قرن نوزدهم و همزمان با دگرگونی‌های وسیع سیاسی-اجتماعی، اقتباس از

آموزش و پرورش جدید از غرب و اعزام دانشجویان به اروپا عملی شد. در این دوران آزادی علمی و استقلال دانشگاهی که در دوران صفویه تحت حاکمیت مطلق علوم مذهبی قرار گرفته بود، به تدریج جان گرفت [۱۸].

فراستخواه آزادی آکادمیک در ایران را همواره واجد قبض و بسط در توالی‌های تاریخی می‌داند و چهار دوره متمایز تاریخی را برای سرگذشت آزادی آکادمیک در ایران به شرح زیر برشمرده است:

۱. چالش (آزادی آکادمیک) با خودکامگی دولت شبه مدرن پهلوی اول
۲. آزادی‌های موسمی و چالش ناسازگاری درونی جامعه سیاسی
۳. چالش دوگانه: افراط‌گرایی سیاسی-ایدئولوژیک در درون و اقتدارگرایی دولت شبه سکولار در بیرون
۴. چالش انقلاب فرهنگی و اسلامی کردن دانشگاه‌ها و...  
مشکل عمده‌ای که آزادی علمی از ابتدا در ایران داشت، اقتدارگرایی سیاسی ریشه‌داری بود که خود از سرگذشت تاریخی و فرهنگ و ساختارهای اقتصادی و اجتماعی این سرزمین نشأت می‌گرفت. این اقتدارگرایی سیاسی که گاهی به شدیدترین صور خودکامگی و تصلب حکومتی ظاهر می‌شد، راه را به روی نهادینه شدن آزادی علمی در کشور می‌بست. دانشگاه در ایران، از آغاز در درون دولت به وجود آمد و همین عامل سبب شد که سایه اقتدارگرایی دولت شبه‌مدرن پهلوی اول و خودکامگی رضاشاه، کم و بیش بر دانشگاه نیز سنگینی کند و آزادی علمی را در آن محدود سازد. از سوی دیگر، دیوان‌سالاری متمرکز دولتی سبب می‌شد فعالیت‌های دانشگاهی و نیز آزادی علمی، از سرزندگی و چالاک‌ی و پویایی‌هایی که می‌بایست بنا به سرشت خود داشته باشد، باز می‌ماند. طی چند سال بعد از شهریور ۱۳۲۰، به اقتضای تحولات بین‌المللی پس از جنگ دوم و آثار آن در داخل

اصلاحات نهادی و ساختاری و توسعه‌ی محیط حقوقی برداشته بشود [۱۹].

در ادامه این بخش تلاش بر این است تا یک شبکه معنایی برای درک آزادی آکادمیک ارائه شود. برای این کار، زمینه تاریخی و فلسفه انواع آزادی، مشخصات آنها و استعاره‌هایی که برای توضیح رابطه بین دانشگاه، دولت و جامعه به کار می‌رود، بررسی می‌شود.

به منظور واکاوی مفهوم آزادی آکادمیک، از یک ماتریس چهار سلولی ساده استفاده شده است. محور عمودی نشان‌دهنده یک پایستار (زنجیره) از استفاده‌های مفهوم، از افراد تا نهادها می‌باشد. در مورد آخری، آزادی آکادمیک مربوط به گروه‌های مردم مانند دانشگاهیان، نهادهای علمی می‌شود و فراتر از ابعاد فردی آزادی است. محور افقی نشان دهنده زنجیره درک‌های مثبت و منفی از آزادی آکادمیک بوده که از مفاهیم آزادی مثبت و منفی ارائه شده توسط آیزایا برلین الهام گرفته شده است.

نتیجه این کار یک ماتریس با چهار نوع مختلف مفهوم آزادی آکادمیک شده است که بر پایه تاریخ‌ها و زمینه‌های مختلف بوده و می‌تواند برای سازماندهی تفکر در شرایط گوناگون به کار گرفته شود.

**الگوی سنتی و لیبرال:** در خانه اول مفهوم سنتی و فردی لیبرال آزادی آکادمیک قرار دارد. این مفهوم آزادی نخستین بار توسط جان استوارت میل بیان شده که اعتقاد داشت، عدم مداخله مساوی با آزادی است. در این نوع از مفهوم آزادی، ادراکی که از رابطه دانشگاه با دولت وجود دارد، مانند دوطرف یک مرز است و در این رویکرد، دانشگاه به نوعی جدا از دولت است و هدف از ایجاد این مرزبندی میان دولت و دانشگاه جلوگیری از هرگونه مداخله حکومت در دانشگاه و حفاظت از حقوق افراد در دانشگاه است.

**الگوی مدنی:** آنچه از آن به عنوان نوع مدنی آزادی آکادمیک نام می‌بریم، تفاوت اساسی با نوع لیبرال آن در ریشه‌های شکل‌گیری این مفهوم دارد. در دو نوع آزادی‌های مشخص شده توسط آیزایا برلین، که آزادی از مداخله خارجی در آنچه یک شخص دنبال می‌کند (آزادی منفی) و آزادی برای دنبال کردن خود آزادی (آزادی مثبت) را شامل می‌شود، این

کشور، اقتدارگرایی سیاسی از هم گسست و در فضای خالی این گسستگی‌ها آزادی‌های موسمی برای جامعه ایران به وجود آمد؛ اما اولاً در این سال‌ها نیز هرچند خودکامگی سیاسی از بالا از هم گسسته بود و نمی‌توانست استقلال دانشگاهی و آزادی‌های علمی را سرکوب کند، در دوران پهلوی دوم، دانشگاه نیز مثل بسیاری از بخش‌های جامعه، شدیداً به بودجه دولتی متکی به نفت، وابسته شد. ساختارهای کلان سیاسی و دیوان‌سالاری متمرکز دولتی، بر دانشگاه‌ها و فعالیت‌های علمی نیز به نحوی از انحا سایه می‌انداختند. هرچند شبه‌سکولاریسم سیاسی و شبه‌توسعه‌گرایی دولتی سبب می‌شد که دانشگاه‌ها و فعالیت‌های علمی از محدودیت‌های ناشی از سلطه یک ایدئولوژی دینی و سازمان مذهبی خاص برکنار بمانند، از یک ساختار دمکراتیک سیاسی و استقلال دانشگاهی کافی و در نتیجه آزادی‌های مطلوب، محروم بودند. حکومت پهلوی به رغم کارکردهای شبه‌مدن‌سازی و شبه‌توسعه‌گرایی خود نه تنها تمایل ساختاری به اقتدارگرایی و خودکامگی داشت، بلکه بنا به ساخت غیردمکراتیک خود، این خودکامگی را به نحوی، حتی بر دانشگاهیان و فعالیت‌های آنان نیز اعمال می‌کرد و به شدت در مقابل هر گونه مخالفت و انتقاد سیاسی که دانشگاهیان و دانشجویان نیز نقش مؤثری در آن داشتند، از خود تصلب، واکنش منفی و قهرآمیز و حتی سرکوبگرانه نشان می‌داد. انقلاب اسلامی بهمن ۱۳۵۷ در بحبوحه‌ای که در قسمت قبل بدان اشاره شد، به پیروزی رسید، در آغاز با فوران آزادی‌ها همراه بود که آزادی علمی نیز در این میان می‌توانست رشد کند و نهادینه شود، اما منازعات سیاسی-ایدئولوژیک منتهی به انقلاب فرهنگی سبب شد که الگوی متمرکزی برای برنامه‌ریزی و مدیریت آموزشی عالی استقرار یابد.

مداخله ترمکزگرایانه در برنامه‌ریزی آموزشی و درسی و مدیریت دانشگاهی، گزینش دانشجو و استاد و سایر فرایندها، کارکردها و فعالیت‌های دانشگاهی، سوانحی جدی برای آزادی‌های علمی به وجود آوردند. هرچند از اواخر دهه شصت تا به امروز، رویکرد ترمکزگرای و روندی از تجدید نظر و تعدیل را طی می‌کرده است، هنوز هم برای این که آزادی‌های علمی نهادی شود باید گام‌های بیشتری در

انجام رساندند. نمونه مطالعه از اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته برای آزادی علمی، استقلال دانشگاه و تأثیر سیاست‌های خارج از دانشگاه در طیف لیکرت در تحقیق مشارکت داشتند. در بین گویه‌ها عدم استقلال مالی دانشگاه و وابستگی به بودجه دولتی، تأثیر روابط سیاسی بر روابط علمی بین‌المللی، تغییر نگرش‌های سیاسی مدیران دانشگاهی بر فضای علمی، تغییر مداوم برنامه‌ها بعد از تغییرات مدیریتی از جمله مواردی بودند که بیشترین میانگین مشکلات را به خود اختصاص دادند [۲۲].

سلیمی و عبدی مطالعه‌ای آمیخته از نوع اکتشافی برای شناخت فهم و درک اعضای هیات علمی از مفهوم آزادی آکادمیک، با رویکرد کیفی (تحلیل مضمون) و مصاحبه با ۲۱ نفر از اعضا هیات علمی دانشگاه کردستان به انجام رساندند. نتایج پژوهش در بخش کیفی شامل شش طبقه آزادی در پژوهش و تحقیق، آزادی در تدریس و عمل آموزش، آزادی از خودسانسوری، حفظ استقلال عمل سازمانی نهادهای دانشگاهی، آزادی از تلقین و القاء و رعایت حقوق مشروع دانشجویان بود. در بخش کمی، از نظر اعضای هیئت علمی، بُعد حفظ استقلال عمل سازمانی نهادهای دانشگاهی بیشترین و بعد رعایت حقوق مشروع دانشجویان کمترین اهمیت را در شکل دادن به مفهوم آزادی آکادمیک داشته است. نتایج آزمون تحلیل واریانس نیز حاکی از آن بوده است که آزادی از خودسانسوری، آزادی از تلقین و القاء، حفظ استقلال عمل سازمانی نهادهای دانشگاهی در حوزه علوم انسانی و اجتماعی نسبت به حوزه‌های علوم پایه و فنی-مهندسی دارای اهمیت بیشتری است [۲۳].

در مطالعه رامونسکی و ناصر<sup>۱</sup> اعضای هیات علمی در دانشگاهی در خلیج فارس گزارش کرده‌اند که آزادی آکادمیک مورد تأیید آن دانشگاه بوده است، و آن‌ها حس مثبتی در مورد انتشار و بحث در مورد عقاید خود با دیگران داشته‌اند، در کار خود در گزینش مواد آموزشی دوره و مواد خواندنی استقلال داشته‌اند، اما آزادی آکادمیک آن‌ها تحت تأثیر فرهنگ و سنت محلی قرار داشته است [۲۴].

رویکرد به آزادی آکادمیک و استقلال به صورت مثبت خواهد بود [۲۰].

**مفهوم حرفه‌ای/صنفي:** مفهوم حرفه‌ای (صنفي) آزادی آکادمیک اشتراکات زیادی با نوع فردی لیبرال بحث شده در ربع اول دارد. تأکید در این رویکرد بر جامعه دانشگاهی و متخصصان و استقلال نهادی است و نه بر تک تک افراد و حقوق آنان در آزادی بیان، تحقیق و تدریس بدون دخالت عناصر و قدرت‌های خارجی. ریشه‌های این نوع آزادی را می‌توان به قرون وسطی و ظهور دانشگاه‌های مستقل به عنوان یک امتیاز حرفه خاص نسبت داد که در آن قوانین بازی حرفه و جامعه دانشگاهی و توان انجام پژوهش مراقبت می‌شود. برای مثال نیو معتقد است که ریشه‌های استقلال دانشگاهی به قرون ۱۲ و ۱۳ و زمان ایجاد اولین دانشگاه‌ها بازمی‌گردد.

**مدل جایگشتی:** مدل آزادی آکادمیک ارائه شده در این ربع ماتریس با مدل‌های دیگر تفاوت دارد. اساساً ایده دانش در این مورد به طرز بنیادینی فرق دارد. در این رویکرد دانشگاه تنها یکی از تولیدکنندگان دانش خواهد بود که بر این اساس جایگاه خود را که در مدل‌های دیگر داشت، از دست می‌دهد) به طور خاص جایگاه خود به عنوان یک محل حفاظت شده برای جستار و پژوهش در مورد حقیقت). دومین تفاوت اساسی با مدل‌های پیشین، تأکید بر آزادی مثبت و در این پارادایم کلماتی چون «توانمندسازی، رشد، مهارت بخشی، تسهیل و قادر ساختن» است.

### ۳- پیشینه تجربی

دهقانی و همکاران، مطالعه‌ای در زمینه بررسی میزان آزادی علمی استادان دانشگاه شیراز با توجه به متغیرهای جمعیت شناختی را به انجام رساندند. بر اساس نتایج، مرتبه علمی در چهار بعد آموزشی، پژوهشی، سازمانی و فکر؛ نوع دانشکده در دو بعد پژوهشی و سازمانی و میزان آگاهی استادان از قوانین، در تمام ابعاد آموزشی، پژوهشی، سازمانی، فکری و اخلاقی- فرهنگی بر میزان آزادی علمی استادان تأثیر معناداری دارد، اما سابقه کار و جنسیت استادان تأثیر معناداری نداشت [۲۱].

کریمیان و همکاران مطالعه‌ای را با عنوان ضرورت استقلال و آزادی علمی از دیدگاه اعضای هیات علمی با روش کمی به

<sup>1</sup> Rommanowski & Nasser

مشاهده شده در زمینه تعریف این پدیده است. زیرا بدون وجود درک و تصویری روشن از تعریف یک مفهوم شاید نتوان آن گونه که شایسته است به بررسی جنبه های دیگر آن پرداخت.

#### ۴- روش تحقیق

برای نشان دادن پنداشته های اعضای هیئت علمی و دانشجویان در قاموس تعبیر مختلف از آزادی علمی، ناگزیر از رجوع به سطوح عمیق تجربه روزمره دانشگاهی آنان هستیم. رویکرد کیفی به تفاسیر و تجربه زیسته استادان و دانشجویان، تفسیری بودن و از پیش مشخص نبودن نتایج، کمک های شایانی به طرح این تحقیق می کند. بر این اساس رویکرد تحقیق کیفی از نوع پدیدارشناسی تفسیری است.

پدیدارنگاری یک سنت پژوهش تجربی است که به مطالعه فهم و درک افراد از دنیای اطرافشان می پردازد. در این راهبرد پژوهشی، مسئله یا مشکل پژوهشی از درون و توسط افرادی که آن را تجربه کرده اند/یا تجربه دیگران را مشاهده کرده اند؛ مورد مطالعه قرار می گیرد. برون داد مطالعه پدیدارنگارانه تعداد محدودی از طبقات توصیفی است که هر یک معرف مفهومی متفاوت از یک پدیده معین نزد گروه خاصی از افراد است [۲۸].

نمونه تحقیق، مشارکت کنندگان بالقوه از اعضای هیئت علمی و دانشجویان دانشگاه های کشور بودند. با توجه به اقتضائات موجود، نمونه گیری محدود به سه دانشگاه تهران، علامه طباطبائی و کردستان شد. با در نظر گرفتن اهمیت حداکثر تنوع در نمونه تحقیق و محدودیت های موجود برای انجام مصاحبه، ملاک هایی برای انتخاب چارچوب نمونه در نظر گرفته شد. با در نظر گرفتن ملاک هایی برای شمول حوزه های علمی (علوم انسانی، فنی و مهندسی و علوم پایه)، مناطق جغرافیایی، تنوع قومی-مذهبی و در نهایت اشتهار دانشگاه ها در ایجاد محدودیت برای استادان (بازنشستگی استادان قبل از موعد- برخورد های سیاسی با استادان- ایجاد محدودیت در تدریس یا پژوهش و همچنین مشکلات در فرایند ترفیع و ارتقاء استادان) و دانشجویان (به ویژه ستاره دار شدن دانشجویان و محرومیت از تحصیل- تعلیق از تحصیل) فهرستی از ۱۱ دانشگاه در ابتدا تهیه و در نهایت به این سه

جوکل و چسنس<sup>۱</sup> در یک مطالعه پیمایشی، دیدگاه اعضای هیأت علمی را در مورد آزادی آکادمیک بررسی کردند. در این پیمایش معلوم شد بیش از ۸۶٪ هیأت علمی در موسسات مسیحی با جمله «من از آزادی آکادمیک در کالج یا دانشگاه خود برخوردار هستم» موافق هستند. به علاوه، ۵۴٪ موافق بودند که «استادان در موسسات مسیحی آزادی بیشتری برای بحث در مورد موضوعات و پرسیدن سئوالات نسبت به استادان مراکز سکولار دارند». در مورد محدودیت های مربوط به آزادی آکادمیک در تدریس، ۶۵/۸٪ با جمله «من تردید دارم به موضوعات با اهمیت و خاص در کلاس پردازم زیرا در یک موسسه/کالج یا دانشگاه مسیحی درس می دهیم» موافق نبودند، هر چند تقریباً یک چهارم آن ها موافق بودند، در حالی که بقیه در این مورد نظری نداشتند. [۲۵]

دوگان<sup>۲</sup> در یک مطالعه کیفی به تحلیل نگرش استادان و دانشجویان به آزادی آکادمیک پرداخته است. بینش های مشارکت کنندگان در باب آزادی آکادمیک در ۶ طبقه توصیفی-تفسیری به دست آمد که عبارتند از: آزادی در آموزش، آزادی در پژوهش، آزادی بیان، آزادی نهادی، الزامات آزادی آکادمیک و حفاظت از آزادی آکادمیک. نگرانی از ارائه ایده ها و نگرش های عمدتاً سیاسی و خودسانسوری در بین دانشجویان و استادان مشاهده شد [۲۶].

ال شوباکي و ابوناصر<sup>۳</sup> در مقاله ای به تأثیر آزادی آکادمیک بر افزایش مسئولیت پذیری اجتماعی دانشگاه های فلسطینی در غزه پرداخته اند. ایشان آزادی آکادمیک را با ابعادی همچون آزادی در تدریس، آزادی در پژوهش علمی، آزادی در تصمیم سازی، آزادی در ابراز عقیده سنجش کرده اند. در این مطالعه بین رابطه مستقیم آماری بین آزادی آکادمیک و ارتقای مسئولیت اجتماعی مشاهده شده است [۲۷].

اندک مطالعات داخلی فارغ از اهداف پژوهشی خود، توجه و دقت چندانی در زمینه مفهوم و تعریف دقیق آزادی علمی نداشته و مبتنی بر تعاریف معمول به دنبال بررسی سطح و میزان وجود آن در دانشگاه ها و یا برخی ابعاد و عوامل مؤثر بر آن بودند. جنبه نوآورانه در مطالعه حاضر تلاش در جهت ابهام زدایی از این مفهوم با توجه به ابهامات فراوان

<sup>1</sup> Joeckel & Chesnes

<sup>2</sup> Dugan

<sup>3</sup> Al Shobaki & Abu Nasser



برای شناسایی و توصیف فعالیت‌ها، مشخص ساختن الگوریتم الگوهایی که مضامین مختلف را به هم پیوند می‌دهند، و کسب نظرات تیم پژوهش و افراد آشنا به محتوا و نوشتن گزارش نهایی.

برای اعتباربخشی به یافته‌ها از ملاک‌های گوبا و لینکلن<sup>۲</sup> (قابلیت اعتبار، انتقال پذیری، اطمینان و تأیید پذیری) استفاده شد. برای قابلیت اعتبار از بازبینی محققین و تکنیک به‌هم‌تنیدگی استفاده شد تا در حد ممکن دیدگاه‌های مختلف بررسی شده و داده‌های جامع‌تر و عمیق‌تری حاصل شود. از بازبینی همکار (استادان راهنما- افراد صاحب نظر در موضوع آزادی آکادمیک با سابقه تألیف یا پژوهش در این حوزه) در دو مرحله استفاده شد. مرحله اول برای اطمینان از کیفیت و اعتبار پروتکل مصاحبه و مرحله دوم برای اعتبار ساختار کدهای. به این معنی که ساختار کدهای (در نرم‌افزار مکس کیودا) و نمونه‌های برخی مصاحبه‌ها در اختیار ایشان قرار گرفت و نظرات اصلاحی و پیشنهادات ارائه‌شده بررسی و در تحلیل داده‌ها به‌کار گرفته شد. مصاحبه با استادان و دانشجویان به عنوان ذی‌نفعان اصلی نهاد دانشگاهی در به‌هم‌تنیدگی (مثلث‌سازی منبع داده‌ها) مؤثر بوده است. ضمن این‌که استفاده از چند نفر پژوهشگر در فرایند مصاحبه‌ها، تحلیل داده‌ها و تفسیر نهایی نیز در این راستا انجام شده است. استفاده از نمونه‌گیری هدفمند امکان انتقال‌پذیری داده‌ها را افزایش داده است. استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند و غور در اطلاعات برای مقایسه مداوم و مفهوم‌سازی، در راستای ملاک تأیید پذیری انجام شد. در نهایت برای قابلیت اطمینان از درصد توافق داخلی کدگذار استفاده شد. این موضوع در مورد دو مصاحبه از استادان و دو مصاحبه از دانشجویان انجام شد.

برای تحلیل داده‌ها از رویه تحلیلی دیکلمن و همکاران استفاده شده است. بر این اساس ۳۲۵ زیرمضمون، اولیه ۲۱۲ مضمون پایه، تعداد ۱۹ مضمون سازمان‌دهنده و در نهایت تعداد ۵ مضمون فراگیر به عنوان تفاسیر آزادی آکادمیک شناسایی شدند. جدول ۲ نمونه‌هایی از شیوه تحلیلی دیکلمن و همکاران را در این تحقیق نشان داده است.

دانشگاه محدود شد. لازم به ذکر است ملاک اشتها دانشگاه به ایجاد محدودیت برای استادان و دانشجویان، به عنوان آخرین معیار ورود به مطالعه مطرح شده و برای دستیابی به وضعیت هر کدام از دانشگاه‌های مورد نظر در این ملاک از نظرات استادان، اخبار منتشرشده در خبرگزاری‌های رسمی کشور، مباحثات نمایندگان مجلس با وزارت علوم و... در طی دو دهه اخیر استفاده شده است. طبیعتاً بخش بزرگی از محدودیت‌ها برای استادان و دانشجویان امکان بروز عینی و افشای عمومی ندارند و لذا هیچ آمار مشخص و جامعی در این خصوص در کشور وجود ندارد. لازم به ذکر است این ملاک نشانگر وضعیت کنونی دانشگاه نبوده و تجربیات و سوانح حداقل ۲۰ سال اخیر (۱۳۸۰ تاکنون) در آن مدنظر بوده است. با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند (بر مبنای معیارهای انتخاب) بعد از مصاحبه با ۲۲ عضو هیأت علمی و ۱۹ دانشجو، اشباع نظری (از نوع اشباع مقوله‌ای) حاصل شد. به این معنی که بلافاصله بعد از هر مصاحبه فرایند تحلیل داده‌ها انجام شده است. بعد از مصاحبه شماره هفت، ساختار کدهای<sup>۱</sup> شکل گرفته و به تدریج در ادامه با انجام مصاحبه‌های بعدی تکمیل شده است. اشباع مقوله‌ای در وضعیتی حاصل شد که دیگر مفهوم جدیدی که منجر به ظهور مقوله محوری جدیدی شود، به دست نیامد. این وضعیت برای استادان در مصاحبه شماره ۱۸ و برای دانشجویان در مصاحبه شماره ۱۵ حاصل شد. با این حال تعداد بیشتری مصاحبه برای اطمینان از اشباع مقوله‌ای انجام شد. با توجه به شیوع کرونا و محدودیت‌های ناشی از آن، شیوه‌های متنوعی برای مصاحبه استفاده شد (حضور/ تلفنی/ مجازی (واتساپ و اسکایپ)). در مجموع تعداد ۱۰ مصاحبه حضوری و ۳۱ مصاحبه غیرحضوری انجام شد.

پروتکل مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بر مبنای مرور ادبیات پژوهش و مبانی تجربی تدوین و مورد استفاده قرار گرفت. خواندن متن برای دستیابی به درکی کلی از آن، نوشتن خلاصه‌های تفسیری و کدگذاری مضامین پایه، تحلیل گروهی تمام خلاصه‌های توصیفی برای مشخص کردن مضامین پایه، رجوع به متن اصلی و مشخص کردن ناسازگاری‌ها و عدم توافق‌ها، مقایسه و مقابله متن مصاحبه‌ها

<sup>2</sup> Goba & Linkoln

<sup>1</sup> Code Structure

جدول ۲) نمونه‌ای از کاربرد کدگذاری متن گفتارهای مشارکت‌کنندگان

متن گفتارها	مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
«یعنی آزادی در آموزش، آزادی در تعیین سرفصل‌های آموزشی، آزادی در اینکه کلاس به چه شکلی برگزار میشه.»	آزادی در تدریس، تعیین محتوای آموزشی	آزادی در آموزش (اجرا) آزادی در آموزش (سطح سیاستی)	آزادی در آموزش و پژوهش
«آزادی در پژوهش، آزادی اندیشه در پژوهش، آزادی اجرا در پژوهش، آزادی انتخاب موضوع در پژوهش، آزادی نقد در پژوهش و آزادی هر چیزی در پژوهش.»	آزادی دانشجو و استاد در انتخاب مسأله، بسط حوزه‌های موضوعی، آزادی در اجرای تحقیق، توان ورود به حوزه‌های جدید	فقدان موانع و محدودیت‌های ذهنی و عینی در انجام پژوهش	
«آزادی بیان به معنی که در کلاس مطرح بشه، آزادی اندیشه، آزادی نقد و انتقاد باز هم در کلاس.»	آزادی مباحثه و نقد علمی، آزادی اندیشه	فضای ساختاری نقد و مباحثه	آزادی بیان آکادمیک

## ۵- یافته‌ها

جداول ۳ و ۴ به ترتیب کاربرد کدگذاری مصاحبه‌های انجام‌شده با استادان و دانشجویان را ارائه کرده است. بر طبق این جداول روشن است که درک دانشجویان بیشتر بر آزادی در آموزش (یادگیری)، پژوهش (به ویژه پایان‌نامه و رساله)، آزادی بیان و فقدان هژمونی عقیده استوار است اما درک استادان از آزادی آکادمیک گسترده‌تر و دارای ابعاد بیشتری (استقلال نهادی دانشگاه و آزادی برای توانمندی و شکوفایی علمی) است.

کدهای گزینشی خلق‌شده در این پژوهش، در واقع انگاره‌های توصیفی مفهوم آزادی آکادمیک هستند که در ادامه تشریح شده‌اند.

**مضمون فراگیر اول- آزادی در آموزش و پژوهش:** این مضمون فراگیر دارای چهار مضمون سازمان‌دهنده است که دو مضمون به آزادی در آموزش (اجرا-سیاست) و دو مضمون به آزادی در پژوهش اختصاص دارد. افق بیرونی این مضمون فراگیر، دانشگاه و افق درونی آن، آزادی در آموزش و پژوهش است و به کارویژه‌های اصیل دانشگاه مدرن اشاره دارد. یکی از کارویژه‌های بنیادی نسل‌های اولیه دانشگاه به معنای مدرن آن، فضیلت یادگیری، اصالت آموزش و پژوهش است. جایی که باید مهارت شنیدن و جسارت پرسشگری از مرزهای ناشناخته علمی در کلاس درس تقویت و آموخته شود. جوهر استقلال در پژوهش بدان معنی است که یک

محقق بر خلاف خواسته خود مجبور به تحقیق روی یک موضوع خاص یا مجبور به انجام دادن تحقیق با روشی ویژه و یا با تجزیه و تحلیلی مخصوصی نگردد تا به نتایج ازپیش تعیین‌شده‌ای برسد و همچنین آزادانه بتواند نتایج تحقیقات خود را عاری از هرگونه فشار و ترس منتشر کند. «به اندازه‌ای که در واقع چارچوب‌های لازم برای اینکه آدم‌ها حساس امنیت‌کنن که بتونن کار کنن و در زمینه تحقیق و پژوهش سطحی از آزادی رو داشته باشن قطعاً به اون تولید علم هم میرسن.» (۴) «من به الگوهایی که در فرآیند زمان شکل گرفته کاری ندارم مثل الگوی ناپلئونی، آکسبرجی و هامبولتی. به این‌ها کاری ندارم دانشگاه از نظر من با آموزش، پژوهش و یک بخش بزرگی به اسم قواعد آموزش و پژوهش، مکانیسم‌های اجرایی، آدم‌های دانشگاه و کلیت نهاد دانشگاه شناخته میشه. این را به این دلیل میگم که پس آموزش و پژوهش اگر یک طرف قرار بگیرند کل سیستم دانشگاه، قواعدش و هر چیزی که شما فکر می‌کنید یک طرف قرار می‌گیرند انگار تمام موجودیت دانشگاه، آیین‌نامه‌ها، شیوه‌نامه‌ها، استادها، دانشجو، فرایند پذیرش دانشجو، چه درس‌هایی تدریس بشه و همه اینها یک طرف قرار می‌گیره و بحث آموزش و پژوهش یک ضلع دیگرش قرار می‌گیرد. پس وقتی بخوایم اسم بناریم من هیچ اسمی نمی‌تونه این را تبیین کنه مگر بهش همون آزادی آکادمیک بگیم.» (۶)

جدول ۳) کاربرد نهایی کدگذاری نظری مصاحبه‌های استادان

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
آزادی در تدریس، آزادی در تعیین محتوای آموزشی، فرایند ارزشیابی، آزادی در شیوه‌ها و سبک‌های معلمی، برخورداری از فناوری‌های نوین در تدریس، آزادی در تعیین شیوه‌های جایگزین آموزشی، فرایندهای تدریس امن و فارغ از پیامد	آزادی در آموزش (سطح اجرا)	آزادی در آموزش و پژوهش
مشارکت در تعیین اهداف و رسالت‌های آموزشی رشته، بازاندیشی در برنامه درسی، بازتعریف برنامه درسی مبتنی بر نیازهای جامعه، تصمیم‌گیری مستقل دانشگاه در مورد سیاست‌ها و فرایندهای آموزشی	آزادی در آموزش (سطح سیاستی)	آزادی در آموزش و پژوهش
آزادی در انتخاب مسأله پژوهش، دغدغه‌مندی اجتماعی، بسط حوزه‌های موضوعی، توجه به اثربخشی پژوهشی، آزادی از اعمال نفوذ در تصویب/رد موضوعات پژوهشی	فقدان موانع و محدودیت‌های ذهنی و عینی در انجام پژوهش	آزادی در آموزش و پژوهش
تضمین ارتباط امن با محققان و مراکز علمی خارج از کشور، تسهیل ارتباط و بهره‌مندی از اعتبارات پژوهشی بین‌المللی، تجاری‌سازی دانش، کسب درآمد پژوهشی، انتشار یافته‌های علمی مشترک با سایر محققان خارج از کشور، حمایت حقوقی (مالی، ساختاری، فکری و اطلاعاتی) دانشگاه در حوزه پژوهش	توان تحقیق آزادانه	آزادی در آموزش و پژوهش
تولید، پرورش و تبادل اندیشه‌های جدید، آزادی در مداخله و کاربست اندیشه برای حل مسائل کشور، آزادی در نظریه پردازی و تولید دانش بومی، آزادی در نقد نظریات	اندیشه‌ورزی آزادانه در زیست جهان علمی	فقدان هژمونی عقیده
آزادی از نگاه سیاست‌زده به دانشگاهیان، تقویت نگرش فرصت به جای تهدید، تبادل نظر آزادانه در مورد پدیده‌های جمعی بدون تشویش از پیامدهای سیاسی و امنیتی	فقدان نگاه امنیتی به کنشگران علمی	فقدان هژمونی عقیده
آزادی در نقد ساختار کلان کشور، آزادی در نقد سیاست‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، آزادی در نقد سیاست‌ها و عملکرد دانشگاه	آزادی از القای اندیشه و استبداد عقیده	فقدان هژمونی عقیده
آزای حقیقت از سلطه بینش‌های سیاسی، توان ورود به حوزه‌های مختلف مسائل جامعه، توان پرسش از مشکلات و مسائل اجتماعی/فرهنگی/اقتصادی و سیاسی جامعه، توان ورود به حوزه‌های ناشناخته و مصلوب	جستجوگری حقیقت	آزادی بیان آکادمیک
امکان ارائه و مقایسه اندیشه‌های متنوع در دانشگاه، اندیشه‌نقدانه، فقدان مصلحت‌اندیشی و عاقبت‌طلبی در بیان آزادانه مسائل و مشکلات، زیرساخت آزاداندیشی و طرح مباحث متنوع فکری و عقیدتی	فضای ساختاری نقد و مباحثه	آزادی بیان آکادمیک
توان بحث در باب نهاد‌های آشکار و پنهان قدرت، امکان نقد ساختارهای معیوب و مشارکت در اصلاح آنها، مداخله انتقادی و توان ابراز عقیده (علمی و جهان‌شمول)، توان طرح دیدگاه‌های مختلف در جامعه دانشگاهی	ابرازگری آکادمیک	آزادی بیان آکادمیک
تعدیل تمرکزگرایی شدید و اعطای اختیارات توسعه‌ای به دانشگاه‌ها، اختیار دانشگاه و دانشگاهیان در تعیین مناسبات بروکراتیک، قدرت عمل دانشگاه در انتصابات علمی و اجرایی در سیستم‌های رهبری و مدیریت آموزشی، تعدیل جوانب و ابعاد مداخله دولت در حیات دانشگاهی، مدیریت حرفه‌ای و مستقل	استقلال دانشگاه در مدیریت، تصمیم‌گیری و اجرا	استقلال نهادی دانشگاه
تعدیل نگاه گزینش‌گرایانه و محدود به کنشگران علمی (استادان و دانشجویان)، نگاه شایستگی‌محور به جای نگاه باورمندی عقیدتی و سیاسی، رهبری آکادمیک جایگزین رهبری سیاسی، حذف رویکردها و نگاه‌های سیاسی در گزینش استادان، مشارکت دانشگاهیان در تدوین آئین‌نامه‌ها و دستور العمل‌های مدیریتی، گزینشی و ...	آزادی دانشگاه از قواعد پیش‌ساخته و بیرونی گزینش	استقلال نهادی دانشگاه
آزادی در ایجاد تشکل‌های دانشگاهی علمی و مدنی، اختیار و استقلال در برنامه‌ریزی استراتژیک و ماموریت بلندمدت دانشگاه، اختیار توسعه علمی و غیرعلمی در ابعاد مختلف، توان سیاست‌گذاری نوآورانه و خلاقانه در زیست جهان علمی	استقلال دانشگاه در تدوین سیاست علمی و ماموریت کلان	استقلال نهادی دانشگاه
توانمندی دانشگاه و دانشگاهیان برای تولید ثروت، تنوع در منابع تأمین مالی، امکان جذب اعتبارات بین‌المللی برای دانشگاهیان و دانشجویان، اخذ منابع مالی و تشهیلات علمی از مراکز منطقه‌ای و بین‌المللی، گسترش تجاری‌سازی دانش در حوزه‌های روز و جهانی، گسترش مراکز رشد و پارک‌های فناوری و کمک به استادان و دانشجویان برای ارجای ایده‌ها و طرح‌های درآمدزا	تنوع تأمین مالی و کاهش وابستگی به دولت	استقلال نهادی دانشگاه
فضای مستعد برای توان اتخاذ انتخاب‌های مستدل، آگاهانه، مستقل، هوشمندانه، از نظر اجتماعی مسئولانه، توانایی ساختن یک پروژه حرفه‌ای (دانشگاهی) در دنیای پرتلاطم امروزی، داشتن قضاوت مناسب	تقویت توان استدلال و فهم عملی	آزادی برای توانمندی و شکوفایی علمی
پتانسیل مواجهه با خطر، قابلیت خوداتکایی، مواجهه فعالانه، خلاقانه و نوآورانه با فرصت‌های آموزشی	تاب‌آوری دانشگاهی	آزادی برای توانمندی و شکوفایی علمی
توان انتشار ایده، طرح و نتایج پژوهشی، فضای انگیزشی رسمیت و رویت‌پذیری آکادمیک، فضای حمایتی و تشویقی از بروندادهای خلاقانه و علمی استادان و دانشجویان	شکوفایی احساس‌عاملیت	آزادی برای توانمندی و شکوفایی علمی
رابطه و تعامل سودمند با افراد شبکه دانشگاهی (استادان و دانشجویان)، هم‌افزایی نهادی، فضای ارتباطی حمایت‌گرانه (استاد-استاد، استاد-دانشجو، دانشجو-استاد، دانشجو-دانشجو)، ارتباط تعاملی دانشگاهیان با تشکل‌های درون دانشگاهی، ارتباط پایدار دانشگاهیان در بلندمدت (برای دانشجویان بعد از دانش‌آموختگی)	همبستگی دانشگاهی	آزادی برای توانمندی و شکوفایی علمی
فضای یادگیری بدون انقطاع و دارای استمرار، فضای دانش‌افزایی مستمر	یادگیری مستمر و پایدار	آزادی برای توانمندی و شکوفایی علمی

جدول ۴) کاربرد کدگذاری مصاحبه‌های دانشجویان

مضامین فرایر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
آزادی در آموزش و پژوهش	آزادی در آموزش	توان ورود به مباحث به روز و جدید، آزادی در طرح مباحث متنوع در کلاس، آزادی مباحثه و نقد علمی در کلاس، آزادی بیان دانشجویان در کلاس، آزادی عمل دانشجویان در انتخاب واحدهای آموزشی
	آزادی در پژوهش	آزادی دانشجو و استاد در انتخاب مسأله، دغدغه‌مندی اجتماعی، محدودیت دسترسی دانشجویان و استادان به منابع و اسناد پژوهشی در حوزه‌های خاص، آزادی از اعمال نفوذ در تصویب/ رد موضوعات پژوهشی دانشجویان و استادان، برقراری رابطه امن با مشارکت کنندگان در میدان پژوهش، آزادی دانشجویان در انتخاب استاد راهنمای پژوهش
فقدان هژمونی عقیده	فقدان نگاه امنیتی به کنشگران علمی	تبادل نظر آزادانه در مورد پدیده‌های جمعی بدون تشویش از پیامدهای سیاسی و امنیتی
	آزادی از القای اندیشه و استبداد عقیده	آزادی در نقد ساختار کلان کشور، آزادی در نقد سیاست‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، آزادی دانشجویان و استادان در نقد سیاست‌ها و عملکرد دانشگاه
آزادی بیان آکادمیک	جستجوگری حقیقت	توان پرسش از مشکلات و مسائل اجتماعی/ فرهنگی/ اقتصادی و سیاسی جامعه
	فضای ساختاری نقد و مباحثه	امکان ارائه و مقایسه اندیشه‌های متنوع در دانشگاه، اندیشه نقادانه
	ابرازگری آکادمیک	مداخله انتقادی و توان ابراز عقیده (علمی و جهان شمول)، توان طرح دیدگاه‌های مختلف در جامعه دانشگاهی

می‌خواست انتخاب کنه برای موضوع پایان نامه و من مجبور شدم که خیلی صریح بهش بگم که از تصویب این موضوع خاص در گروه مطمئن نباش بخاطر اینکه من تصور نمی‌کنم که این موضوع علمی‌رغم اینکه بسیار موضوع مهمیه در گروه تصویب بشه و این در واقع محدودیتی است.» (۹)

#### مضمون فرایر دوم- آزادی آکادمیک به مثابه فقدان هژمونی عقیده

این مضمون دارای سه مضمون سازمان‌دهنده است که اساساً به اندیشه مرتبط هستند. افق بیرونی این مضمون دانشگاه و افق درونی آن به آزادی در اندیشه و بیان اشاره دارد. این مضمون بر مفهوم هژمونی استوار است. هژمونی هسته سخت و دال مرکزی در آرای آنتونیو گرامشی است. هژمونی، زمینه ایدئولوژیک و فرهنگی حفظ سلطه طبقه مسلط بر طبقات پایین از طریق کسب رضایت آن‌ها و ترغیب آن‌ها به پذیرش ارزش‌های اخلاقی، سیاسی، فرهنگی مسلط به منظور دستیابی به اجماع و وفاق عمومی است. هژمونی صرفاً سلطه نیست، بلکه فرایند مذاکره‌ای است که طی آن اجماعی بر سر معنا به دست می‌آید. وجود همین عناصر رقیب بذره‌ای مقاومت را

منظور از آزادی در آموزش، آزادی استادان در انتقال دانش در بین ذی‌نفعان و کنشگران دانشگاهی (استاد-دانشجو) بدون هیچ‌گونه فشار، مداخله یا محدودیت از سوی نهادهای دیگر و یا خود دانشگاه است.

«آزادی دانشگاه هم یعنی امکان ورود به حوزه‌های مختلف تحقیقاتی، انجام دادن اون‌ها و امکان ورود به زمینه‌هایی که ضرورت تحقیق اون‌ها مشخص شده و به غیر اون امکان انتشار نتایج تحقیقات. به نظر من ترکیبی از این آزادی دانشگاه رو فراهم می‌کنند. ببینید در این میان آزادی دانشجویان برای ورود کردن به این مفاهیم، صحبت کردن در مورد موضوعات مختلف سرکلاس، به بحث گذاشتنشان و همینطور اجازه ورود داشته باشن که راجع به این موضوعات صحبت کنن سرکلاس. به نوعی آزادی دانشگاه رو نشون میده.» (۲)

آزادی در حوزه پژوهش نیز به آزادی استادان و دانشجویان در زمینه‌های تخصصی اشاره دارد که به صورت فردی و یا جمعی انتظار می‌رود فشار یا محدودیتی از سوی محیط درونی و محیط بیرونی دانشگاه بر فعالیت‌های تحقیقاتی آنان تحمیل نشود. «یک دانشجویی بود که یک موضوع خاصی رو

در خود دارند چون عناصری که فضای حاکم را به چالش می‌کشند ابزاری برای مقاومت در اختیار افراد قرار می‌دهند. در نتیجه هژمونی هرگز ثابت نیست و بلکه تغییر می‌کند و ناتمام است، و همواره فقط درجه‌ای از اجماع وجود دارد [۲۹] در پرتو این مذاکره است که طبقه مسلط سیاسی توانسته است طبقات جامعه را به پذیرفتن ارزش‌های اخلاقی، سیاسی و فرهنگی خود ترغیب کند. این ترغیب از طریق اقناع صورت می‌گیرد. او معتقد است که «قدرت واقعی نظام حکومتی در خشونت طبقه‌ی حاکم یا قدرت با عنف و جبر، نهفته نیست، بلکه در این است که کسانی که بر آنان حکومت می‌شود مفهومی از جهان را پذیرفته‌اند که متعلق به طبقه حاکم است و فلسفه‌ی طبقه‌ی حاکم به صورت عقل سلیم آفتابی می‌شود و همه‌ی طبقات تابع را از این طریق جلب می‌کند.

فوکو نیز در پرداختن به دوگانه دانش-قدرت به گونه‌هایی از علم اشاره می‌کند که در قرون ۱۷ و ۱۸ در حال تبدیل شدن به جزئی از فرایند اعمال قدرت و روابط اعمال سلطه بر سوژه انسانی هستند. دغدغه اصلی فوکو، پرداختن به فرایند تغییر شکل اعمال قدرت است. او می‌خواهد نشان دهد که قدرت دولت از شکل حاکمیت و سرکوب و اداره سرزمینی به زیست-قدرت یا زیست همه‌جایی قدرت (میکروفیزیک قدرت) در زندگی تغییر شکل می‌دهد [۳۰].

«شما خودبه‌خود یک محافظه‌کاری پیدا می‌کنید که باعث میشه انقدر پویا نباشید به اندازه کافی و در نهایت در سطح کلان دانشگاه پویایی خودش رو از دست میده. بله به خاطر ابراز نظر خود من هم دانشگاهی داشتم که بخاطر ابراز نظر مجازات شدن و ابراز نظرشون ابراز نظر غیر آکادمیکی هم نبوده ولی در واقع اون استاد یا اون مجموعه که اون زمان بود اون رو در واقع برنتابید اظهارنظری رو که شده بود رو.» (۱۰)

**مضمون فراگیر سوم- آزادی آکادمیک به مثابه آزادی بیان آکادمیک:** این مضمون دارای سه مضمون سازمان‌دهنده است که اساساً به حقیقت، جستجوی علمی و ابراز بدون واهمه آن اشاره دارد. افق بیرونی این مضمون دانشگاه و افق درونی آن آزادی از سکوت و خودسانسوری است. افراد در این مضمون، دانشگاه را به مثابه یک سازمان (زیرنظام) از فرانظام‌های جامعه می‌بینند.

این مضمون به روشنی بر آزادی منفی مدنظر برلین استوار است. در نگاه برلین آزادی منفی اساس و پایه دموکراسی است. آزادی به مثابه فقدان سکوت و خودسانسوری، آن نوع از آزادی است که دانشگاهیان در هر زمینه علمی و مسائل مبتلابه جامعه بدون محدودیت و ترس از پیامدها و اغراض پیدا و پنهان گروه‌های قدرتمند و ذی نفوذ داخلی و بیرونی دانشگاه، بتوانند ایده‌های نقادانه، خلاقانه و نوآورانه خود را مطرح و با دیگران به اشتراک بگذارند. «ولی اگر بخوام در مورد نوع این آزادی با جریبات صحبت کنم به نظر من یک آزادی هست که دارای دو وجه میشه. یکی آزادی دانستن و دیگری آزادی ابراز این دانایی. حالا اینکه این دانستن تا چه حدی هست حتماً قابل نقد هست حتماً یک امر ایستا نیست. این سرجای خودش ولی اینکه افراد چه استاد چه دانشجو چه پژوهشگری که تحت هر عنوان وارد محیز دانشگاه میشه باید ازاد باشه تا آنچه رو که میخاد جستجو کنه و بدونه و بعد اینکه بهش رسید ازاد باشه ک اون رو ابراز کنه و این فرایند دانستن و فرایند ابراز دانستن به نظر من محدودیت متربط نباید باشه.» (۴)

آزادی در شکاکیت علمی، پیگیری فرضیات محقق ساخته و برآمده از اندیشه‌های جدید در فضایی بدون ترس و سکوت مصلحت‌اندیشانه و عافیت طلبانه از مهمترین وجوه این انگار توصیفی است. «به نظر من میریم دانشگاه برای اینکه جست و جوگری دانش را بیاموزیم یعنی میشیم جستجوگر دانش و حالا افرادی وارد میشن دانشجویانی وارد میشن در جست و جوی دانش و در سطح خاصی خارج میشن با انگیزه‌های متعددی وارد با انگیزه‌های متفاوت و مختلفی خارج میشن ولی برای یک عضو هیات علمی که میاد خانه میکنه در دانشگاه حداقل به صورت حرفه‌ای که عرض کردم تو پرسش قبلی به نظرم میاد بیشتر از مسئله حرفه‌ای و هویتی هم هست. این خانه‌گزینی به معنای استقرار اگر باشه این پایان اون عضو هیات علمیه و اون دانشگاهه. چون دانشگاه در جستجوگری دانش تعریف میشه و اصلاً حیاتش استمرار پیدا میکنه. بنابراین دو نوع آزادی در این راه ضرورت حرکت این جستجوگریه و اگر آزادی نباشه بنابراین هویت دانشگاه نمیتونه استمرار پیدا کنه و اون دیگه دانشگاه نیست اون یه چیز دیگس.» (۱۴)

حق دانشگاهیان در تصمیم‌گیری آزادانه به منظور انجام پژوهش‌های علمی را به رسمیت می‌شناسد. «مناسبات دولت و دانشگاه پدر و فرزندیه. مناسبات از بالا و پایین و عمودی. انتظار منم از دانشگاه فکر میکنم اینه از پاسخ‌سوالاتی که پیش از این بهت گفتم هستون اون دانشگاهی دانشگاه مطلوبیه که استقلال داشته باشه و از توابعی که زدن حرفش و یا انجام تحقیقاتش یا برگزاری کلاسهاش یا نشست‌های سخنرانی و اینها داره از اون توابع خیلی ترسه» (۲)

«دانشگاه جزو اون نهادهایی هستن که به نظر من ضامن تحرک سیاسی اجتماعی علمی فکری در جوامع یا حداقل میتونه این نقش رو داشته باشه و اگر که بخایم اون رو فاقد آزادی، فهم کنیم یعنی در واقع فاقد حرکت فهم کردیم. پس بنابراین آزادی اکادمیک از نظر من هدفش حفظ پویایی و حرکت و فرایندش دقیقاً با آزادی شروع میشه» (۸)

دانشگاه به دلیل خصیصه التزام به حقیقت، نوآوری، نقادی و پرسشگری خود، منبع قدرت و یک نهاد مرجع بوده و به دلیل ویژگیهای حرفهای و تخصصی‌اش از استقلال عمل در قلمروهای علمی برخوردار است. استقلال دانشگاه به مفهوم حق خودگردانی در طول دهه‌های گذشته دستخوش فراز و نشیب زیادی شده است [۳۲].

**مضمون فراگیر پنجم - آزادی اکادمیک به مثابه آزادی برای توانمندی و شکوفایی اکادمیک:** این مضمون فراگیر دارای پنج مضمون سازمان‌دهنده است که عمدتاً بر سازه‌انگاری و شکوفایی عاملیت در لوای ساختارهای محدودکننده اشاره دارد. افق بیرونی این مضمون فراگیر، جامعه و افق درونی آن خودشکوفایی کنشگران دانشگاهی است و عمدتاً بر آزادی مثبت استوار است. آیزایا برلین آزادی مثبت را مبتنی بر خود مختاری عقلانی می‌داند، یعنی آزادی اراده‌ای که بر اساس واقعیت‌های موجود فرد با اتکاء بر قدرت عقلانی وابسته به دیگران رقم می‌خورد. «حداقل این هست که سرمایه اجتماعی درون گروهی خودشون رو حفظ کنند و حداقل خودشون حامی هم باشند که متاسفانه من این رو ندیدم به دلیل اینکه بخش بزرگی از اعضاء هیئت علمی ما در دوره‌ها مختلف دولت‌های مختلف خارج از قواعد رسمی و اصول شایسته‌سالاری جذب شدند و چون قابلیت‌های علمی و پژوهشی و سایر قابلیت‌ها را در

«یکی از چیزهایی که استاد و دانشجو دچارش میشن همان مسأله خودسانسوریه هم در جستجوگری هم در ابرازش. یا خودسانسوری میکنن و یا سکوت میکنن. بعلمه من هم در موارد متعددی اینکار رو کردم جدا از اینکه حالا سراغ موضوعی که مجبور شدم که نرم یا مجبور شدم که طور دیگه ای موضوع رد مطرح کنم.» (۱۲)

تعادل اخلاقی در میان دانشگاهیان (در اصل استادان) در این شرایط بسیار سخت و پیچیده می‌شود، به طوری که مرزهای نوشتار و پژوهش یا تفکر بسیار ناپایدار و تفسیرپذیر هستند؛ بنابراین ترکیب قدرت عریان در کنار قدرت پنهان و اما جاری دوران مدرن، خودسانسوری را به پدیده‌ای روزانه در محیط دانشگاهی تبدیل می‌کند. «ما معمولاً دچار سکوت و خودسانسوری هستیم چون میترسیم به شکل ناخودآگاه از اتفاقاتی که حداقل من خودم میتونم بگم به عنوان کسی که تازه عضو هیات علمی شده انقدر وضعیت شکننده است که ترجیح میدم خیلی در چارچوب و خیلی شسته و رفته عمل کنم. که خدای نکرده حرفام کارام که مینویسم یا میزنم کسانی دچار سو تفاهم نکنه. نمیدونم اسم اینو میشه گذاشت یا خودسانسوری یا نه. میتونم بگم احتیاط بسیار. ما حداقل در انجام تحقیقاتمون و صحبت‌هایی که میکنیم میتونم بگم قدم از قدم‌هایی که برمیداریم به شدت احتیاط میکنیم.» (۱۳)

**مضمون فراگیر چهارم - آزادی اکادمیک به مثابه استقلال دانشگاه:** این مضمون فراگیر دارای چهار مضمون سازمان‌دهنده است که عمدتاً بر مفهوم خودمختاری و استقلال نسبی دانشگاه به مثابه نهاد علم اشاره دارد. افق بیرونی این انگاره ساختار کلان حاکمیتی و افق درونی آن بر استقلال نهادی سازمان علم استوار است. میان نهاد دانشگاه و جامعه فاصله‌ای وجود دارد، این فاصله به دانشگاه این امکان را می‌دهد تا ارزش‌ها، قواعد و منافع نظام اجتماعی مستقر را مورد انتقاد قرار دهد. چنین چیزی مستلزم سطحی از استقلال و خودگردانی است. پس دانشگاه باید اجتماعی باشد که آموزش را خودش اداره می‌کند. این خودآیینی درونی نشانگر «آزادی اکادمیک» است.

آزادی اکادمیک آن ایده جهانی و فرازمانی است که آموزش و کشف حقیقت را - هر چند در بیرون یا درون دانشگاه افرادی به دنبال محدود کردن آن باشند - اولویت دانشگاه می‌داند و

۲. الگوی هم‌نویی فایده‌گرایانه (پراگماتیک)

۳. الگوی شهروندی دانشگاهی

به اعتبار مضامین ذکرشده، می‌توان اینگونه استنباط کرد که بخش قابل توجهی از اعضای هیأت علمی و دانشجویان مورد مطالعه، تحت نفوذ و رسوخ محافظه‌کاری فزاینده (آنگونه که فیش به آن معتقد است)، حاملان و کنشگران فرهنگ متعارف دانشگاهی کشور هستند که در آن نگاه به استادی دانشگاه و دانشجو، نگاهی صنفی و تخصصی است و اخلاق حسابگرانه (انتخاب عقلانی) در فرایندهای دانشگاهی بر بینش و رسالت آکادمیک سایه افکنده است. با اندکی تفاوت، گروه دیگری را نیز می‌توان نام برد که رویکردی عمل‌گرایانه به جایگاه استادی دانشگاه و دانشجو دارند. این گروه که در برخی از موارد، احراز و تصدی جایگاه استادی (برای اعضای هیأت علمی) و دانشجو (بهره‌مندی از تسهیلات اعطایی در کنکور و بورسیه‌ها و اعتبارات مشابه) را هم مدیون مناسبات قدرت و سیاست هستند، رویکرد تجاری و خدمت‌مندی به دانشگاه دارند و نگاه فایده‌گرایانه به علم برای تولید ثروت در بین آنان مشهود است. همکاری نزدیک با دولت، بازار و ساز و برگ ایدئولوژیک حاکمیتی وجه مشخصه آنان است.

برخی از مضامین فراگیر را می‌توان به استادانی کم‌شمار اطلاق کرد که خود را شهروندان دانشگاهی قلمداد می‌کنند. تلاش بر حضور در عرصه عمومی و اتخاذ نوعی کنش ارتباطی، ایفای مسئولیت مدنی، نقش روشنگری، نقد ساختار و وضع موجود بدون واژه‌ها و پیامدهای آن بر زندگی حرفه‌ای و شخصی‌شان، از ویژگی‌های بارز این افراد است که پیامد مطلوب آزادی آکادمیک را در نگاه جامعه محور به دانشگاه و علم می‌دانند. از منظر اینان، علم باید دغدغه اجتماعی و دانشگاه باید نگاهی مسئله محور به جامعه داشته باشد. برخی صاحب‌نظران معتقدند که آموزش عالی

خودشون ندارند به هر شکلی شده می‌خوان این جایگاه هیئت علمی را که بهشون اعتبار و مشروعیت بخشیده شده را حفظ کنند وقتی این اتفاق می‌فته اونوقت نمیان از همکارشون در برابر نقض آزادی آکادمیک حمایت کنند هیچ وقت نمیان نقد کنند وضعیت موجود را و نمیان سرفصلهای آموزشی را مورد انتقاد قرار بدهند هیچ وقت نمیان کمک کنند به بقیه و به دانشجویان و دنبال مسئولیت اخلاقی و اجتماعی خودشون نمی‌روند.» (۱۱)

جدول ۵ بین مضامین فراگیر شناسایی شده در این مطالعه با ساخت‌های نظری چهارگانه آزادی آکادمیک (در چارچوب مفهومی) ارتباط برقرار می‌سازد. همانگونه که مشاهده می‌شود مضامین فراگیر پنج‌گانه بیشترین انطباق مفهومی/تاریخی و استعاری را با الگوی صنفی از آزادی آکادمیک دارند. همان چیزی که استنلی فیش آن را با عنوان مکتب «این فقط یک شغل است» معرفی کرده است. بادر نظر گرفتن فرهنگ متعارف دانشگاهی در ایران (محافظه‌کاری فزاینده/ احساس ناامنی حرفه‌ای و احتراز از مخاطرات بیرونی) چندان جای تعجب ندارد که آزادی آکادمیک در ساخت جامعه دانشگاهی استادان، بیشتر بر مفهوم‌سازی صنفی، شغلی و حرفه‌ای از آن محدود شود. دانشجویان به دلیل عدم وابستگی سازمانی به نهاد بروکراتیک و فقدان سرمایه‌های اقتصادی/ اجتماعی و سیاسی در معرض خطر، در مقایسه با استادان، دیدگاه‌های انتقادی و لیبرال‌تری به آزادی آکادمیک دارند.

## ۶- نتیجه‌گیری

بر مبنای مضامین فراگیر آزادی آکادمیک، سه الگوی اخلاق و فرهنگ دانشگاهی را می‌توان در بین استادان و دانشجویان مشاهده کرد:

۱. الگوی حفظ ظاهر شغل و اخلاق حسابگرانه

جدول ۵) انطباق مضامین فراگیر شناسایی شده با ماتریس ساخت‌های چهارگانه آزادی آکادمیک

دوگانه آزادی	ماتریس ساخت‌های چهارگانه				مضامین فراگیر آزادی آکادمیک
	جایگشتی	صنفی	مدنی	لیبرال	
منفی		+	+		آزادی در آموزش و پژوهش
منفی				+	فقدان هژمونی عقیده
منفی		+		+	آزادی بیان آکادمیک
مثبت		+			استقلال دانشگاه
مثبت	+	+			آزادی برای توانمندی و شکوفایی علمی

## References

## منابع

- [1] Ferasatkah, M (2005). **Academic Freedom**. *Rahbord*. 14(3). 115-138. {In Persian}.
- [2] Altbach, Ph (2009). **Peripheries and Centers: Research Universities in Developing Countries**. *Higher Education management and Policy*. 19(2).
- [3] Kaplin, W. A., Lee, B. A. (2014). **The Law of Higher Education, Student Version (5th ed.)**. San Francisco, CA: Jossey-Bass.
- [4] Altbach, Ph (2007). **Academic Freedom in a Global Context: 21<sup>st</sup> Century Challenges**. *Mc Milan pub*.
- [5] Gofrani, M.B(2007). **Structural Issues of Iran's Higher Education System and Ways Out of it in the Fourth Program**. *Majles va Pazhoesh*. (In Persian).
- [6] Fartash, K., & Khayyatian Yazdi, M. S. (2019). **The Role Universities and Research Institutes Plays in Science and Technology Development and Policies Supporting Them**. *Journal of Science & Technology Policy*, 11(2), 255-267. {In Persian}.
- [7] Ferasatkah, M (2005). **Academic Freedom**. *Iranian Parliament Working Paper*. {In Persian}.
- [8] Estermann, T., Nokkala, T., & Steinel, M. (2011). **University Autonomy in Europe II. The Scorecard**. *Brussels: European University Association*.
- [9] Altbach, Ph (2001). **Academic Freedom: International Realities and Challenges**. *Higher Education*, 41(1-2), 205-219.
- [10] Altbach, Ph (2007). *Academic freedom in a global context: 21<sup>st</sup> century challenges*. *Mc Milan pub*.
- [11] Altbach, Ph (2007). **Academic Freedom in a Global Context: 21<sup>st</sup> Century Challenges**. *Mc Milan pub*.
- [12] Brown, A. (2006). **Academic Freedom in Western Europe: Right or Privilege?** In E. Gerstmann & M. J. Streb (Eds.), *Academic Freedom at the Dawn of a New Century: How Terrorism, Overnments and Culture Wars Impact Free Speech* (pp. 115-129). *California: Stanford University Press*.
- [13] Vrieling, J., Lemmens, P., & Parmentier, S. (2011). **Academic Freedom as a Fundamental Right**. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 13, 117-141.
- [14] Al Shobaki, Samy S. Abu Naser(2017). **The Effect of Academic Freedoms in Enhancing the Social Responsibility of Palestinian University Staff in the Gaza Governorates**. *International Journal of Engineering and Information Systems (IJEAIS)*, 2017, 1 (5), pp.22 - 35.
- [15] Mushmane, D. (2017). **Employment Status and Faculty Satisfaction with Academic Freedom**. *Doctoral dissertation, Northern Arizona University*.
- [16] Fish, S. E. (2014). **Versions of Academic Freedom: From Professionalism to Revolution**. *Chicago, IL: University of Chicago Press*.
- [17] Giroux, H. A. (2008). **Against the Terror of Neoliberalism: Politics beyond the Age of Greed**. *Boulder, CO: Paradigm Publishers*.
- [18] Aalipor, Y., Izadi, S., Salehi Omran, E., Safar\_Haidari, H. (2020). **Academic Freedom in the Higher Education System of Iran**. *Journal of Sociology of Social Institutions*, 7(15), 267-296. {In Persian}.

یعنی هیأت علمی و اعضای هیأت علمی را به عنوان تقویت کنندگان فرهنگ، مهندسان توسعه اقتصادی، تولید کنندگان علم و کاشفان فناوری توصیف کرده‌اند [۳۳].

است که پیامد مطلوب آزادی آکادمیک را در نگاه جامعه محور به دانشگاه و علم می‌داند. از منظر اینان، علم باید دغدغه اجتماعی و دانشگاه باید نگاهی مسئله محور به جامعه داشته باشد. برخی صاحب‌نظران معتقدند که آموزش عالی یعنی هیأت علمی و اعضای هیأت علمی را به عنوان تقویت کنندگان فرهنگ، مهندسان توسعه اقتصادی، تولید کنندگان علم و کاشفان فناوری توصیف کرده‌اند [۳۳].

دلیل کلی چنین وضعیتی را می‌توان سیطره دولت بر معرفت‌شناسی علمی و کنترل از طریق سیاسی دانست. بر اساس یافته‌های این مطالعه، سیطره دولت بر دانشگاه‌ها و اعمال نفوذ بر آن‌ها باعث مخدوش شدن تمامیت معرفت علمی و از بین رفتن یکپارچگی علمی می‌شود. این امر باعث می‌شود که ذی‌نفعان دانشگاهی به سمت وظیفه‌گرایی حرکت کرده و خودکارآمدی و خودفهمی از بین برود. به تعبیر یکی از مشارکت‌کنندگان «دولت حق ندارد اندیشیدن، شیوه اندیشیدن و ماهیت اندیشیدن را بر دانشگاه‌ها غالب نماید.» نبود سازوکار مناسب برای حمایت از دانشگاهیان هم از چالش‌های عمده مورد اشاره بوده است. بر مبنای نظرات مشارکت‌کنندگان، آزادی آکادمیک با کاستی‌های حقوقی زیادی مواجه است و تاکنون ترسیم دقیقی از این موضوع انجام نشده است. در عین حال ظرفیت‌های قانونی این موضوع نیز ناشناخته‌اند. فقدان استقلال دانشگاهی، استقلال مالی، تمرکزگرایی و وجود نهادهای موازی و نفوذ مناسبات سیاست و قدرت مسائل دیگری است که توسط مشارکت کنندگان در تهدید و تحدید آزادی آکادمیک اشاره شده است.

بر همین مبنای چند موضوع اساسی از قبیل شناسایی ظرفیت‌های قانونی-حمایتی از آزادی آکادمیک در دانشگاه‌ها، تدوین اسناد پشتیبان برای استقلال نهادی و به تبع آن افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه و توجه ویژه به تنوع بخشی در تأمین مالی دانشگاه‌ها برای افزایش استقلال مالی دانشگاه از دولت، از ضرورت‌های تقویت آزادی آکادمیک از نظر مشارکت‌کنندگان بوده است.



- Qualitative Study.** *Education & Science / Egitim ve Bilim*. 2016, Vol. 41 Issue 184, p311-331. 21p.
- [27] Al Shobaki, Samy S. Abu Naser(2017). **The Effect of Academic Freedoms in Enhancing the Social Responsibility of Palestinian University Staff in the Gaza Governorates.** *International Journal of Engineering and Information Systems (IJEAIS)*, 2017, 1 (5), pp.22 - 35.
- [28] Shirbagi.N., Ariamanesh.M (2018) **Semantic Representation of Teachers' Experiences of Career Path.** *Quarterly Journal of Career & Organizational Counseling*. Vol, 9/ No, 31. {In Persian}.
- [29] Dunkin, R. (2000). **Using Phenomenography to Study Organizational Change.** In J. A. Bawden & E. Walsh (eds). *Phenomenograp (137-152) Melbourne: RIMIT University Press*
- [30] Jorgensen,M & Philips,L (2002). **Discourse Analysis as Theory and Method.** translated by Hadi Jalili. *Ney Publication*. {In Persian}.
- [31] Foucault, M(2008). **Power/ Knowledge.** Translated by Mohammad Zeimaran. *Hermes Pub.*( In Persian)
- [32] Zakersalehi, G(2013). **Study of Legal Capacities of Autonomy University of Iran.** *Journal of Iranian Higher Education*. 5(4) 24-55. {In Persian}.
- [33] Shirbagi, N., & Gholami, P. (2018). **Qualitative Analysis of the Faculty Members' Sabbatical Leave Experiences.** *Journal of Science & Technology Policy*, 10(3), 73-86. {In Persian}.
- [19] Ferasatkah, M (2005). **Academic Freedom.** *Rahbord*.14(3). 115-138. {In Persian}.
- [20] Berlin.I.(1970). **Four Esseys on Liberty.** *Translated by mohammad ali movahhed. Kharazmi pub.* {In Persian}.
- [21] Dehghani, Y., Marzooghi, R., Faghih, N., Fouladchang, M. (2012). **An Investigation into the Academic Freedom of Faculty Members of Shiraz University Based on Demographic Variables.** *Journal of Curriculum Research*, 1(2), 29-56. {In Persian}.
- [22] Karimian Z, Kojouri J, Lotfi F, Amini M(2012). **Higher Education Administration and Accountability the Necessity of Autonomy and Academic Freedom from Faculties' Viewpoint.** *Iranian Journal of Medical Education*. 2012; 11 (8) :855-863. {In Persian}.
- [23] Salimi,J & Abdi, H(2017). **Study of Faculty members' ideas and perceptions of the concept of academic freedom.** *Journal of Iranian Higher Education*. 9(3). 57-88. {In Persian}.
- [24] Romanowski, M. H. & Nasser, R. (2010). **Faculty Perceptions of Academic Freedom at a GCC university** *Prospects*. 40. 481-497.
- [25] Joeckel, S., Chesnes, T. (2012). **The Christian College Phenomenon: Inside America's Fastest Growing Institutions of Higher Learning.** *Abilene, TX: Abilene Christian University Press*.
- [26] Dogan,D(2016). **Academic Freedom from the Perspectives of Academics and Students: A**